

تحلیل محتوای نامه‌های امام‌های علی علیه السلام به معاویه با محور واکاوی سهم اخلاق در مناسبات حکومتی

علیرضا نوبری*، مهدی جامعی**

چکیده

در نظر گرفتن توأم جایگاه امام علی علیه السلام به عنوان حاکم جامعه اسلامی و امام تربیت یافته در دامن نبوت، بررسی جایگاه اخلاق در حکومت علوی را تقویت می‌کند. تحلیل محتوا روشی است که این مقاله جهت واکاوی سهم اخلاق در این مناسبات حکومت علوی با معاویه و نحوه بروز و ظهور عنصر اخلاق در این مواجهه، به کارگرفته و نامه‌های ایشان به معاویه را مورد تحلیل قرار داده است. پاسخگویی، نقدپذیری، پایبندی بر اصول و سعه صدر، از مهم‌ترین راهبردهای اخلاقی در این مواجهه است. همچنین، تحلیل به کارگیری اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت و بیان صفتهای اخلاقی ایجابی و سلبی دخیل در حکمرانی، از دیگر محورهای این نوشتار است.

طبق تحلیل کمی، میان فراوانی اصول پاسخگویی و هوشمندی (هر کدام ۲۵٪) و تأکید ویژه بر خصیصه ضلالت (۷۹٪/۱۳٪) و نفاق معاویه (۴۹٪/۱۱٪)، همبستگی مثبت وجود دارد و بیانگر آن است که استخدام ممتاز این اصول، متأثر از رفتارهای متمردانه و حیل‌های مداوم معاویه بوده است. آمار ۸۶ درصدی گزاره‌های اخلاقی در این نامه‌ها، گویای محوریت اخلاق در مناسبات حکومت

* استادیار گروه قرآن و متون اسلامی، دانشگاه تهران، Email: a.nobari@ut.ac.ir.

** دانشجوی دکتری رشته قرآن و منابع اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، Email: mehdi.jameie@ut.ac.ir.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

علوی با معاویه است. همچنین، صفات اخلاقی سلبی که به عنوان موانع صلاحیت معاویه برای حکمرانی، از جانب امام علیه السلام مطرح شده است در کنار صفات ایجابی، ابعاد اخلاقی تراز حکومت اسلامی را بیان می‌کند.

واژه‌های کلیدی: امام علی علیه السلام، روش تحلیل محتوا، حکومت علوی، معاویه، اخلاق حرفه‌ای.

مقدمه

تاریخ بشری تاکنون شاهد حکومت‌های فراوانی بوده که هرکدام با خط مشی و ایدئولوژی‌های مختلفی حکومت کرده‌اند. حکومت اسلامی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنا شد با جهان بینی کاملاً توحیدی و محوریت اخلاقی ایشان - به تصریح قرآن کریم «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) - همراه بوده است. حکومت علوی نیز که ادامه دهنده حکومت نبوی است، ماهیتی الهی داشته و طبیعتاً باید اخلاق در آن جلوه‌گر باشد. خلافت بلافضل و تربیت یافتن ایشان در دامن نبوت، انگاره محوریت اخلاقی در حکومت علوی را تقویت می‌کند. اما با توجه به اینکه معمولاً در مواجهه با مخالفان، اخلاق رنگ می‌بازد، بررسی نوع مواجهه امام علیه السلام با معاویه و کشف جایگاه اخلاق در این تعامل، موجه است. اینکه در حکومت علوی، در کنار سایر رویکردهای سیاسی، نظامی و... سهم مواجهه اخلاقی حکومت با معاویه به چه میزان است، سؤال اصلی این پژوهش است. همچنین، چگونگی و نحوه بروز و ظهور عنصر اخلاق در این مواجهه، از دیگر سؤالات این نوشتار است. نویسندگان مقاله بر آن‌اند که مهم‌ترین منبع برای یافتن پاسخ در این زمینه، نامه‌های امام علیه السلام به معاویه است که با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد واکاوی قرار گرفته است. با توجه به ماهیت سیستماتیک و پایای روش تحلیل محتوا، به کارگیری آن، تحقیق را از هرگونه سوگیری احتمالی نگارندگان مصون می‌دارد.

هرچند کشف همه زوایای اخلاقی در این مواجهه، مقصود این نوشتار است، اما به طور کلی، موارد زیر، محورهای اساسی بحث را تشکیل می‌دهند که میزان مواجهه اخلاقی حکومت علوی در آنها پیگیری شده است:

۱. رویکردها و راهبردهای کلی اخلاقی امام علیه السلام در قبال معاویه؛

۲. رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت، توسط امام علیه السلام؛

۳. صفات اخلاقی دخیل در حکمرانی که خود به دو دسته صفات ایجابی (صفات امام) و صفات سلبی (صفات معاویه) تقسیم می‌شود.

طبق تحلیل، حجم غالب این نامه‌ها به لحاظ عددی و آماری، ماهیتی اخلاقی داشته و غالباً ناظر به رویکرد بیان صفات اخلاقی سلبی در حکومت‌داری است که به منظور ریشه‌یابی انحراف‌های معاویه و بیان صلاحیت نداشتن وی برای حکمرانی، از جانب امام علیه السلام مطرح شده است.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره ابعاد اخلاقی حکومت علوی نگاشته شده است. از جمله، شریفی‌نیا در قالب مقاله‌ای با عنوان «اصول سیاست علوی»، تقوا، عدالت و دادگری، حق‌مداری و باطل‌ستیزی، انسان - محوری و مردم‌داری را از مهم‌ترین اصول اخلاقی حکومت علوی بیان می‌کند (شریفی‌نیا، ۱۳۸۰: ۴-۱۲). همچنین لولویی در مقاله «اخلاق علوی در پرتوی الزامات روابط دیپلماتیک» به بررسی اندیشه‌های اخلاقی - سیاسی امام علی علیه السلام در برقراری روابط فی‌مابین پرداخته و یافته‌هایی نظیر کاربست دیدگاه بشردوستانه، صداقت و صراحت، عدم نیرنگ، خویش‌داری و سعه صدر توسط امام علی علیه السلام، حاصل تلاش وی است (لولویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۱۳).

فرمهبینی و اشرفی در اثر مشترکی با عنوان «اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه» با تکیه بر نامه ۵۱ نهج البلاغه، اصولی از جمله اصل احترام، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل نقادی و انتقادپذیری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل قانون‌مداری، اصل اعتدال و اصل رازداری را به عنوان مهم‌ترین اصول حرفه‌ای در نهج البلاغه بیان کرده‌اند (فرمهبینی، اشرفی، ۱۳۹۳: ۶۷-۸۶).

ذاکری در کتاب «اخلاق مدیریت در نهج البلاغه» به صورت مبسوط، به استخراج و بررسی نکات کلیدی اخلاق مدیریتی از نامه ۵۱ نهج البلاغه (به مالک اشتر) پرداخته است (ذاکری، ۱۳۹۴).

دلشاد تهرانی در کتاب رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر به استنباط

اصول اخلاق مدیریتی در نامه ۵۱ نهج البلاغه پرداخته است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲). اغلب پژوهش‌ها در این باره، نامه ۵۱ نهج البلاغه را محور قرار داده و به استنباط اصول اخلاق حرفه‌ای پرداخته‌اند، اما کشف این اصول از نامه‌هایی که جنبه عینی و عملیاتی تری دارند، مانند مکاتبات میان حکومت علوی و مخالفان، آن هم با روش تحقیقی که نگارنده در آن ناتوان از سوگیری باشد، موجب قوت و اعتبار هرچه بیشتر این‌گونه تحقیقات خواهد بود. با این همه، ژرف‌کاوی در مکاتبات امام علی علیه السلام و معاویه - که مهم‌ترین منبع برای کشف جایگاه اخلاق در نوع مواجهه حکومت علوی با معاندان است - آن هم با استفاده از روش ممتاز تحلیل محتوا که روشی عینی، سیستماتیک و پایا است، ویژگی منحصر به فرد این نوشتار است.

۱. مفهوم‌شناسی

حکومت در لغت به معنای حکم راندن، فرماندهی، سلطنت کردن و قضاوت کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۰). در اصطلاح اندیشه سیاسی این واژه در مهم‌ترین معنا، به نهاد سیاسی اطلاق می‌شود که فرمانروایی و تصدی امور اجتماع را به عهده دارد (قاضی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). «مجموعه نهادهای فرمانروا، وظایف و اختیارات هرکدام از آنها و روابطی که میان اندام‌های حکومتی، موجود است» از دیگر تعاریف حکومت است (قاضی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۲۲).

حکمرانی که زاینده حکومت است به مجموعه سنت‌ها و شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که حاکمان در چهارچوب آن عمل می‌کنند و اعمال قدرت در شئون اجتماع جهت مدیریت کلیه مناسبات، از این طریق انجام می‌گیرد (یگانگی، ۱۳۹۷: ۱). در این مقاله، مقصود از اخلاق، به معنای عام آن است؛ یعنی مفاهیم و رفتارهایی که موضوع قضایای اخلاقی قرار می‌گیرد. براین اساس، آنچه در این اثر مورد بررسی است پیگیری کیفیت و میزان استخدام معیارها و بایسته‌های اخلاقی در حکومت و حکمرانی علوی است.

۲. تحلیل محتوا

پیام، فرستنده و گیرنده، سه عنصر اصلی فرایند ارتباط هستند که هرکدام از اینها بسته به هدف پژوهش، می‌توانند مورد تحلیل قرار گیرند. روش تحلیل محتوا روشی پیام محور است که جستجو در معانی و زوایای پنهان پیام، ویژگی ممتاز آن در مقایسه با دیگر روش‌های تحلیل است. لورنس باردن بر این باور است که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹).

هرچند روش تحلیل محتوا ماهیتی کمی دارد، اما به نظر می‌رسد تعریفی که برنارد برلسون از تحلیل محتوا ارائه کرده است، ساده‌ترین تلقی از این روش باشد چراکه وی تحلیل محتوا را «تکنیکی جهت توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار پیام» دانسته است (قاندی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹). در حالی که این تعریف ناشی از نادیده گرفتن پیام‌های نهان متن است و کشف این پیام‌ها، اساس بسیاری از پژوهش‌ها می‌باشد. کریندورف تعریف برلسون را از این جهت قابل نقد دانسته و اضافه می‌کند که این روش به توصیف کمی متن، محدود نیست (مطیع و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱). دورکن «عینی» و «سیستماتیک» در تعریف برلسون، دال بر پایایی و تکرارپذیری این روش است به گونه‌ای که سایر پژوهشگران نیز با روش و اطلاعات یکسان به نتایج مشابهی می‌رسند (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۹۰). همچنین عبارت «عینیت» حاکی از آن است که این روش بر قواعدی مشخص استوار است که گزینش محتوا بر اساس آن صورت می‌گیرد. درحقیقت چهار ویژگی مهم عینی بودن، منظم بودن، آشکار بودن و کمی بودن این روش، موجب می‌شود که تحقیق از هرگونه سوگیری و اعمال سلیقه مصون باشد.

آنچه این روش را از دیگر روش‌های پژوهش متمایز می‌کند اعتبار و روایی بالا، استناد دقیق، کاربرد آسان و داده‌های از پیش موجود (و به تبع آن، مصونیت از خطا در جمع‌آوری داده‌ها) است. «مطالعه اطلاعات به منظور پاسخ دادن به این پرسش‌ها که چه کسی؟ چه

چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی، ۱۳۸۱: ۲۲۲) عمده‌ترین کاربرد این روش است.

کمی یا کیفی بودن این روش، از اختلاف نظرهای بنیادین میان صاحب‌نظران است. برلسون و هولستی از جمله کسانی هستند که در تعاریف خود از روش تحلیل محتوا بر بُعد کمی آن تأکید داشته و رسالت اصلی آن را شمارش فرآورده‌های ارتباطی در قالب آمار و ارقام می‌دانند (برلسون، ۱۹۷۱م: ۱۵). تحلیل محتوای کمی بر این پایه استوار است که بسامد و تکرار هرچه بیشتر یک واحد تحلیلی، نشانه اهمیت و تأثیر آن بوده و در این اختلاف فراوانی‌ها، حقایقی نهفته است. تحلیل محتوای کمی به بررسی محتوای آشکار پیام پرداخته و در ساختاری نظام‌مند، اقدام به استنتاج‌های آماری می‌کند.

برخی انتقادها به روش تحلیل محتوای کمی وارد است، از جمله اینکه بسامد و تکرار، همیشه بیانگر اهمیت نیست، بلکه چه‌بسا عناصر دیگری باشد که با کم‌ترین بسامد، تأثیری ژرف در القای پیام بگذارد. در حقیقت، توجه انحصاری به بُعد کمی و تنها، به فراوانی اهمیت دادن، موجب غفلت از سایر ابعاد ارزشمند پیام و از دست دادن اطلاعات ترکیبی می‌شود. بهترین راه برای رفع محدودیت‌های تحلیل کمی و در عین حال بهره‌مندی از مزایای آن، استفاده توأم از روش تحلیل کمی و کیفی است. کریپندورف بر این باور است که تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل، نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶). تحلیل کیفی برخلاف تحلیل کمی، با مضامین نهان متن یا پیام ارتباطی سروکار داشته و طی فرآیندی منظم، در پی کشف و استنباط روابط است. وقتی پژوهشگر سعی در استنباط معنایی خاص از متن، از طریق طبقه‌بندی کلمات و پی بردن به شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روابط بین آنها دارد، تحلیل محتوای کیفی را پیش می‌گیرد (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶).

۳. روش پژوهش

این مقاله که از روش تحلیل محتوا بهره می‌برد علاوه بر تحلیل محتوای آشکار پیام به صورت کمی، محتوای نهان متن را نیز مورد تحلیل قرار داده و بر پایه اشباع نظری استوار

است؛ یعنی با در نظر گرفتن همه ابعاد آشکار و پنهان، کلی و جزئی، کمی و کیفی متن، امر تحقیق را پیش می‌برد. به این منظور، با تنظیم متن نامه‌های امام علی (ع) به معاویه در نرم افزار اکسل بر اساس واحد تحلیل مضمون، برای هر گزاره یک ستون موضوع اصلی و یک ستون موضوع فرعی در نظر گرفته شد. جهت‌گیری اصلی متن، در ستون موضوع اصلی و آنچه پیام نهان متن بود در ستون موضوع فرعی نگاشته شد. ستون ملاحظات نیز جهت درج هرگونه نکته‌ای که در فهم و استنتاج از گزاره می‌توانست مفید باشد در نظر گرفته شد. طبقات و مقوله‌ها نیز با بررسی کامل متن استخراج شده و هر گزاره در یک مقوله جای گرفت که این مهم، با در نظر گرفتن هر دو ستون موضوع اصلی و فرعی و غایت نهایی گزاره انجام شده است. در ادامه، پیام‌هایی که زیر مقوله اخلاقی قرار گرفتند بر اساس موصوف اخلاقی به دو قسم ناظر به امام (ع) و ناظر به معاویه تقسیم شده و ذیل هرکدام به تشریح رویکرد پرداخته شده است.

مقصود از گزاره‌های ناظر به امام (ع)، آن عبارت‌هایی است که متن آن صریحاً ناظر به امام (ع) بوده یا شواهدی در متن، عبارت را به ایشان بازگردانده است. در یک تقسیم‌بندی کلی، دسته‌های زیر، با عنوان گزاره‌های ناظر به امام (ع)، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند:

۱. توصیف و تشریح مستقیم امام (ع) از صفات اخلاقی خویش.
۲. پرداختن به یک موضوع اخلاقی یا مورد توجه قرار دادن آن توسط امام (ع) که حاکی از مسلم تلقی شدن آن موضوع نزد ایشان باشد.
۳. برداشت فضای کلی حاکم بر یک نامه که ممکن است منشأ استنباط یک اصل اخلاقی ناظر به امام (ع) باشد.

حاصل تحلیل محتوای تمام گزاره‌های اخلاقی ناظر به امام (ع) در این نامه‌ها، بروز و ظهور عنصر اخلاق در یکی از سه قسم زیر است:

۱. راهبردهای کلی اخلاقی امام (ع) در مواجهه با معاویه؛
۲. کاربست اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت؛
۳. صفات اخلاقی ایجابی دخیل در حکمرانی.

جدول ۱. نمونه (۱)

کد نامه	۱۷
گزاره	وَأَمَّا طَبْبُكَ إِلَيَّ الشَّامَ فَإِنِّي لَمْ أَكُنْ لِأَعْطِيكَ الْيَوْمَ مَا مَنَعْتُكَ أَمْسٍ.
ترجمه	و اما اینکه از من خواسته‌ای شام را به تو واگذارم (و در برابر آن نه بیعت کنی و نه اطاعت، بلکه فعال ما یشاء باشی بدان) من چیزی را که دیروز از تو منع کردم امروز به تو نخواهم بخشید.
موضوع اصلی	امتناع امام <small>علیه السلام</small> از واگذاری حکومت شام به معاویه.
موضوع فرعی	قاطعیت و نفوذ ناپذیری در اجرای حکم الهی.
ملاحظات	این نامه در پاسخ به نامه معاویه است که به پیشنهاد عمروعاص پس از ظهور علائم شکست در جنگ صفین، برای امام <small>علیه السلام</small> نوشت و حکومت شام را طلب کرد. امام <small>علیه السلام</small> امتناع کرد، زیرا آن منع، به سبب حکم الهی بوده و امری سیاسی نبوده که با تغییر شرایط سیاسی عوض شود.
کد مقوله	A55 (اخلاقی)
کد موصوف	E16 (امام)

(منبع: یافته‌های پژوهش)

پس از تشخیص و جای‌گذاری گزاره‌ها در ستون موصوف اخلاقی، برای دسته‌بندی بهتر و سهولت تحلیل، ستون‌های انواع رویکرد در ادامه ستون‌های قبلی، تعریف و هر گزاره در ستون مربوطه کدگذاری شد.

جدول ۲. نمونه (۲)

...	موصوف	رویکرد کلی	راهبرد کلی	اخلاق حرفه‌ای	صفات دخیل ایجابی
	امام <small>علیه السلام</small>		A.B.C...	A.B.C...	A.B.C...
	معاویه	A.B.C			

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در این روش، ضمن بهره‌گیری از ظاهر عبارات، سعی بر استنباط و کشف غرض نهایی گزاره است، چراکه ممکن است متن گزاره‌ای ناظر به امام علیه السلام باشد، اما غرض، ناظر به ایشان نباشد. مانند اینکه امام علیه السلام خود را شجاع معرفی می‌کند، اما غرض نهایی، تفهیم یکی از

شرایط حکمران به معاویه است. بر این اساس، گزاره‌ها چند سطحی‌اند و ضمن تمرکز بر لایه‌های پنهان معنایی، دیگر سطوح نیز مدنظر است. ستون «موضوع فرعی» در جدول تحقیق، وظیفه کشف همین غرض‌های نهایی را به عهده دارد که با توجه به قرائن کلامی نظیر لحن، سیاق، فضای صدور، شواهد تاریخی و مطالعه شرح و تفاسیر نامه‌ها، این مهم انجام شده است.

همچنین، این نامه‌ها دارای ابعاد گوناگون و در بستر سیاسی، نظامی، اخلاقی، تاریخی و... شکل گرفته است و منحصر در بُعد اخلاقی نیست. با این حال ممکن است هدف از بیان یک گزاره، القای یک مفهوم اخلاقی از جانب امام علیه السلام بوده باشد یا اینکه با توجه به انواع دلالت‌های کلام، بر هدفی اخلاقی نیز دلالت کند. به این ترتیب با توجه به ماهیت روش تحلیل محتوا و نقش آن در کشف پیام‌های نهان متن، کاربست اخلاقی آن گزاره، مدنظر نگارنده قرار گرفته است. تحلیل‌های کیفی در این اثر، مسبوق به مطالعه دو شرح آیت‌الله مکارم شیرازی و ابن میثم بر نهج البلاغه است که نگارنده بر اساس فهم حاصل از مطالعه آن دو، به تحلیل کیفی اقدام کرده است. در ضمن به مقتضای محدودیت حجم مقاله، از تحلیل‌های مبسوط و جدول‌های مفصل، اجتناب شده است.

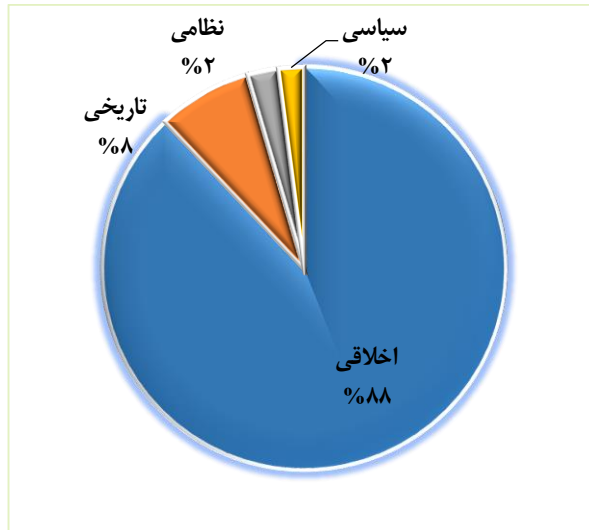
۴. نمای کلی اخلاق در حکومت علوی

در مطالعات اسلامی تقابل میان امام علی علیه السلام و معاویه، همانند تقابل دو نماد خیر و شر در ذهن تجلی می‌کند. هرچند این تقابل، در فضای پرفتنه آن روزگار، پررنگ و قابل تشخیص نبود، اما اکنون، شواهد تاریخی و منقول و آثار برجای مانده، گواه خوبی برای تشخیص صواب از ناصواب و سره از ناسره است. با توجه به آنچه پیشتر ذکر شد مبنی بر محوریت اخلاقی امام علیه السلام بر پایه نصب الهی و خلافت بلافصل نبی، بررسی میزان مواجهه اخلاقی ایشان با مخالفان نیز می‌تواند در مستندسازی این محور، مؤثر باشد. امام علیه السلام در بیانی بر لزوم تعصّب و پایبندی بر موازین اخلاقی در همه عرصه‌ها تأکید کرده و فرمودند: «فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ... اگر قرار است تعصّبی انجام گیرد، باید تعصّب شما برای اخلاق پسندیده، کارهای نیک و امور خوب و شایسته باشد» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲). این‌گونه تعبیر که از

اصالت‌بخشی بر اخلاقیات حکایت دارد در سراسر نهج البلاغه و فرمایشات حضرت به وفور دیده می‌شود از جمله نامه‌های ایشان به امام حسن مجتبیٰ (ع) و مالک اشتر که در بردارنده والاترین مضامین و اصول اخلاقی است. همین غنای اخلاقی در نهج البلاغه و سیره آن بزرگوار، آبخوری برای استنباط اصول اخلاقی و اخلاق کاربردی در حوزه‌های گوناگون سیاسی، مدیریتی، حرفه‌ای، فردی، اجتماعی و... شده و پژوهشگران را به ژرف‌کاوی در اعماق خویش کشانده است. از نظر پژوهشگران، حکومت علوی حکومتی اخلاق محور بوده و اخلاق در آن، نقشی اصیل، نه ابزاری داشته است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰: ۷۲). جایگاه والای اخلاقی آن حضرت باعث شد تا حتی سرسخت‌ترین مخالفان نیز به برتری ایشان گواهی دهند. خود معاویه به‌رغم همه دشمنی‌ها، به برتری امام (ع) برای زعامت اقرار کرده است (سراج، ۱۳۷۶: ۳۴۵). عمروعاص نیز در مدح حضرت اشعاری سروده که بر فضائل اخلاقی و ولایت ایشان پس از پیامبر اکرم (ص) صراحت دارد (ابن عساکر، ۱۳۹۸ق، ج ۲: ۸۹).

با این حال، بررسی نامه‌های برجای مانده از امام (ع)، از جمله نامه‌های ایشان به کارگزاران و افراد مختلف، حاکی از نقش پررنگ رویکرد اخلاقی آن بزرگوار، در مواجهه با مخاطبان است. هنگامی که مالک اشتر به شهادت رسید، عهدنامه‌ای که امام (ع) به او داده بود تا براساس آن بر مردم حکومت کند به دست معاویه افتاد. او از خواندن عهدنامه مبهوت شد، به بلندای معارف آن اعتراف و آن را نزد خود نگهداری کرد و در مقابل پیشنهاد آتش زدن آن، سخت برآشفته (ابن ابی الحدید، [بی‌تا]، ج ۶: ۷۲-۷۴).

در این پژوهش، از مجموع ۲۰۲ گزاره‌ای که مورد تحلیل قرار گرفت ۱۷۸ گزاره، یعنی ۸۶٫۶۳٪ مربوط به مواجهه اخلاقی امام (ع) با معاویه است که فرضیه پژوهش مبنی بر اخلاق محوری حکومت علوی را اثبات می‌کند.



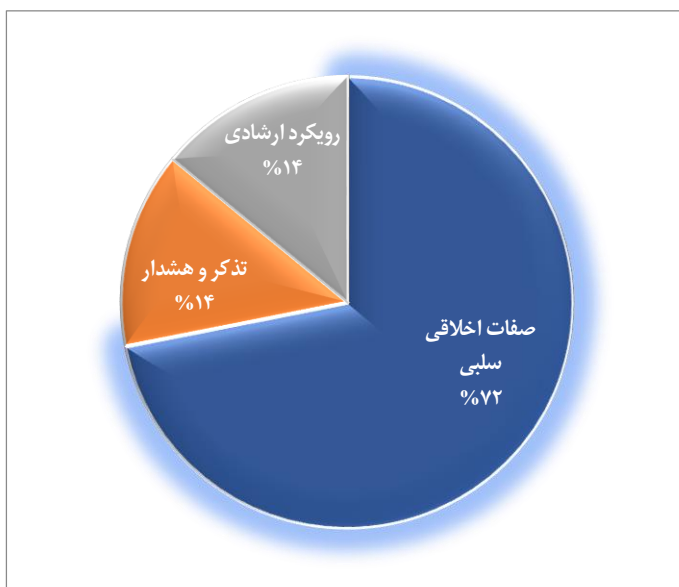
نمودار ۱. فراوانی کلان رده‌های موضوعی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

۵. رویکردهای کلی اخلاقی

در این بخش، نوع واکنش کلی امام علیه السلام به مکاتبات معاویه، مورد نظر است. به این منظور و به برای استواری نتایج تحلیل، سعی شده است تا گزاره‌هایی که به طور کامل (متن و غرض) متعلق به معاویه بوده مورد تحلیل قرار گیرد.

از مجموع ۱۷۸ گزاره اخلاقی، ۱۲۱ مورد مربوط به معاویه است که در قالب سه رویکرد زیر، طبقه‌بندی شده است:

۱. بیان رذائل اخلاقی معاویه به عنوان موانع صلاحیت وی برای تصدی حکومت؛
۲. عتاب، تذکر و هشدار به معاویه؛
۳. نصیحت و ارشاد معاویه به مقتضای رسالت هدایتگری امام علیه السلام.



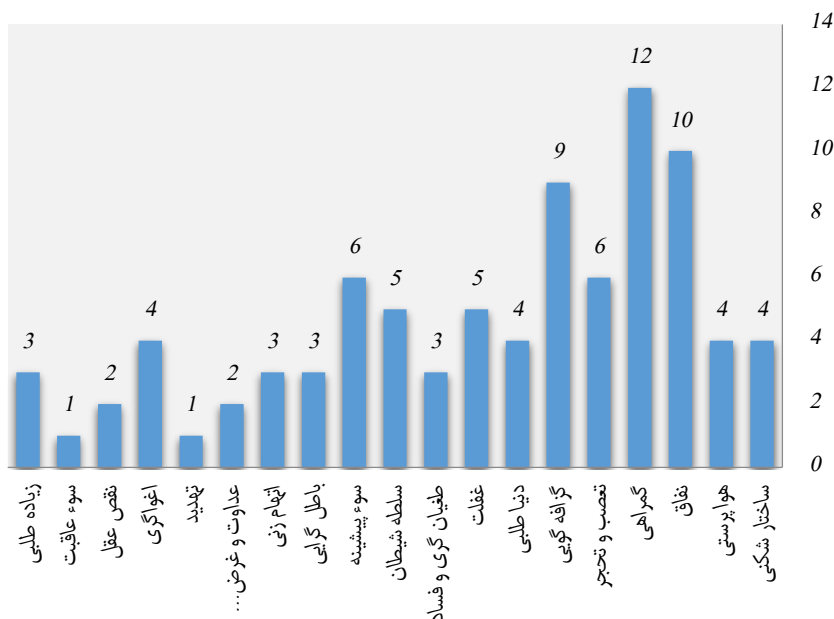
نمودار ۲. فراوانی انواع رویکردهای امام علیه السلام در پاسخگویی به معاویه
(منبع: یافته‌های پژوهش)

۵-۱. بیان صفات اخلاقی سلبی دخیل در حکمرانی

در این رویکرد، امام علیه السلام با هدف تبیین و تشریح جایگاه معاویه و لیاقت نداشتن وی برای تصدّی خلافت شام و همین‌طور به منظور ریشه‌یابی و بیان علت‌ها و عوامل انحراف‌های عقیدتی و رفتاری او، به بیان پاره‌ای از خصوصیات اخلاقی و شخصیتی وی پرداخته که از میان ۱۲۱ گزاره ناظر به معاویه، ۸۷ مورد مربوط به این رویکرد است. در حقیقت، هدف امام علیه السلام از بیان این خصوصیات آن است که عدم شناخت معاویه از خود و جایگاه خود را متذکر شده و بفهماند که این ویژگی‌ها با ادعای وی نظیر خلافت و استحقاق حکمرانی، خون‌خواهی عثمان و... تناسب نداشته و اگر او به این خصوصیات آگاه بود هرگز چنین ادعایی نمی‌کرد. طرح این ویژگی‌ها از جانب امام علیه السلام، به عنوان ویژگی‌های ضد اخلاقی در حکومت‌داری قلمداد شده که معاویه به سبب آنها، فاقد صلاحیت برای حکمرانی است. به عنوان مثال، در جایی، معاویه را به جهت دنیاطلبی، فاقد صلاحیت حکومت دانسته و فرمودند: «وَ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ... چه خواهی کرد آنگاه که لباس‌های این دنیا که در آن فرو رفته‌ای از تنت برگیرند، دنیایی که با زینت‌هایش خود را جلوه داده و با لذت‌هایش فریبت

داده است؟ این دنیا تو را فرا خواند و اجابتش نمودی، زمامت را به دست گرفت به دنبالش رفتی، فرمانت داد اطاعتش کردی. این دنیای فریبنده به زودی تو را وارد میدان نبرد می‌کند که هیچ سپری در آنجا تو را نجات نخواهد داد. حال که چنین است از این امر (حکومت) کناره گیر» (نهج البلاغه: نامه ۱۰). واژه جلایب در این فراز، به معنای پوشش‌های بدن و «استعاره از لذت‌های مادی است که بر اثر بهره‌گیری از متاع دنیا نصیب دنیاداران می‌شود» (ابن میثم، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۱۲۰). امام علیه السلام با این بیان، معاویه را در نهایت دنیازدگی معرفی می‌کند که مهم‌ترین مانع برای حکمرانی است. این مانع بودن، با توجه به حدیث «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۳۱) به خوبی قابل تبیین است.

از این میان، ویژگی‌های ضلالت با ۱۳/۷۹٪ و نفاق با ۱۱/۴۹٪، بیشترین بسامد را داشته که به عنوان دو رکن اساسی شخصیت معاویه از جانب امام علیه السلام مطرح شده است.



نمودار ۳. فراوانی صفات اخلاقی سلبی دخیل در حکمرانی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۵-۲. عتاب، تذکر و هشدار به معاویه

امام علیه السلام در این مکاتبات به آسیب‌شناسی بسنده نکرده و به مقتضای حال، به عتاب و تذکر هم متوسل می‌شوند. به عنوان نمونه، در قبال زیاده‌طلبی‌ها و منافق‌گری معاویه این چنین وی را مورد عتاب قرار می‌دهند: «الْأَتْرَعُ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ... ای انسان چرا برسر جای خود نمی‌نشینی و چرا از کوتاهی و ناتوانی خویش آگاه نیستی و چرا به آنجا که مقدرات برای عقب راندن تو تعیین کرده باز نمی‌گردی؟ (نهج البلاغه: نامه ۲۸).

این رویکرد، به هشدار به اموری از قبیل جنگ و مقابله به مثل امام علیه السلام، مرگ و عذاب اخروی، سوء عاقبت و اموری از این دست پرداخته است.

۵-۳. رویکرد ارشادی

از آنجا که ماهیت جایگاه امامت، هدایت و ارشاد عامه است، امام علیه السلام نیز در این مکاتبات این جنبه را در نظر داشته و علاوه بر آسیب‌شناسی رفتار معاویه و رویکرد تذکر، در مواضعی به وعظ و نصیحت وی پرداخته است. توصیه به تقوا و دوری از شیطان، توجه به قبر و قیامت و ماهیت اغواگری دنیا از جمله این توصیه‌ها است. به عنوان نمونه، نامه ۴۹ نهج البلاغه کاملاً با سیاق وعظ و نصیحت ایراد شده است: «دنیا انسان را به خود مشغول و از غیر خود بیگانه می‌سازد. دنیاپرست به چیزی از دنیا نمی‌رسد جز آنکه دری از حرص را به رویش می‌گشاید و آتش عشق او را به دنیا تندتر می‌کند در حالی که دنیاپرست هرگز به آنچه دارد در برابر آنچه به آن نرسیده قانع نیست و به دنبال آن جدایی از اموالی است که گردآوری کرده و واتابیدن آنچه را که تابیده است. اگر عبرت‌گیری از آنچه وجود داشته است، آنچه را باقی است حفظ خواهی کرد والسلام» (نهج البلاغه: نامه ۴۹).

۶. راهبردهای کلی اخلاقی

فضای کلی حاکم بر مکاتبات میان امام علیه السلام و معاویه که اغلب در دوره جنگ صفین رخ داده‌اند، مطالبه حکومت شام توسط معاویه است که امتناع امام علیه السلام را در پی داشت و در نهایت به جنگ صفین انجامید. با توجه به اینکه نامه‌های امام علیه السلام اغلب در پاسخ به نامه‌ای از جانب معاویه است، متن و سیاق بیان امام علیه السلام، متأثر از فضای حاکم بر نامه معاویه است، اما

در چهارچوبی ضابطه‌مند. مانند آنجا که معاویه امام علیه السلام را به قتل عثمان متهم می‌کند، امام علیه السلام در مقام دفع اتهام و تبرئه خویش برآمده، روشنگری می‌کند و در نهایت معاویه را مورد عتاب یا نصیحت قرار می‌دهد. امام علیه السلام برای کارگر افتادن بیاناتش از توصیف و تشریح مقام خویش، جایگاه و شخصیت معاویه، تاریخ بنی امیه و خلفای پیشین و... بهره برده و رویکرد ایشان روشنگری و تشریح بر اساس واقعیات است.

مقصود از راهبرد در این بخش، اقداماتی از این قبیل است که نشان می‌دهد امام علیه السلام در این مواجهه، خط مشی و سیاست‌های ویژه‌ای را به کار می‌بندد تا در راستای معیارهای اخلاقی عمل کرده باشد.

با در نظر گرفتن مجموعه نامه‌های امام علیه السلام به معاویه، راهبردهای کلی اخلاقی ایشان به این شرح است:

۶-۱. کار بست الگوی برتر رفتار ارتباطی

انسان موجودی است اجتماعی که زیست او به طور گسترده‌ای با زیست هم نوعانش پیوند خورده است. افراد معمولاً به دنبال ایجاد تعاملاتی هستند که به دور از هرگونه ضرر احتمالی بوده و منافع آنان را تضمین کند. در صورت پذیرش این نکته که ملاک و معیار ارتباط و تعامل افراد، سودطلبی آنان است باید به تزامم منافع و بروز هرج و مرج نیز اعتراف کرد. اما آنچه در تعالیم مکتب اسلام و ژرفای معارف اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگوی رفتار ارتباطی مطرح است چیز دیگری است. امیرمؤمنان علیه السلام در فرازی چنین می‌فرمایند: «یا بُنَّی اِجْعَلْ... پسر من! خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت میان خود و دیگران قرار ده. برای دیگران چیزی را دوست دار که برای خود دوست می‌داری و برای آنها نپسند آنچه را برای خود نمی‌پسندی» (نهج البلاغه: نامه ۳۱).

محور اخلاق و کار بست استانداردهای اخلاقی در انواع ارتباطات فردی، خانوادگی، اجتماعی، سازمانی و... موجب ارتقای کیفی و کمی آن روابط می‌شود. این نکته در عرصه سازمانی و حرفه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند چرا که به طور طبیعی هر سازمان و کسب و کاری پیوسته به دنبال ارتقای سطح کیفی و کمی ارتباطات خویش است و این مهم، بدون به

کارگیری اصول اخلاقی میسر نیست. می‌توان حدیث «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸: ۲۳) را بر این اساس تبیین کرد.

در حقیقت، سبک‌های ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر بر اساس مفاهیم اخلاقی پی‌ریزی شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. صاحب‌نظران، مؤلفه‌های گوناگونی برای ارتباط استاندارد و تراز بیان کرده‌اند (باقی نصرآبادی، ۱۳۹۳: ۸۳) که یکی از آنها ارتباط بر مبنای قاطعیت است. بر این اساس، انواع ارتباطات بشری از این چهار سبک ارتباطی خارج نیست:

- **سلطه‌گری:** در این سبک، برقراری ارتباط با دیگران، غیر صادقانه، غیر صریح و همراه با احترام ظاهری و کنترل فرد مقابل (آزادی نداشتن) است.

- **سلطه‌پذیری:** تنها تفاوت این الگو با سلطه‌گری در ویژگی آخر آن است. یعنی تعامل با فرد مقابل به صورت غیرصادقانه، غیر صریح، همراه با احترام ظاهری اما با استقلال فرد مقابل.

- **پرخاشگری:** تعامل و ارتباط صادقانه، نیمه صریح، فقدان احترام متقابل همراه با کنترل فرد مقابل.

- **قاطعیت:** برقراری ارتباط با فرد مقابل به صورت صادقانه، صریح، همراه با احترام متقابل و خودمختاری شخص طرف رابطه (امیرپور، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

بدیهی است که سبک ارتباطی ممتاز و کارآمد از این میان، سبک ارتباطی قاطعیت است. در حقیقت این الگو، معیار و شاخص ارزیابی و ارزش‌گذاری هرگونه رابطه اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی، سازمانی و... است.

حال، سؤال اینجا است که در نوع مکاتبات امام علی علیه السلام با معاویه کدام یک از الگوهای فوق به کار گرفته شده است؟ به کارگیری سوگندهای متعدد، بیان شواهد تاریخی و استدلال‌های منطقی و در برخی موارد، پیشگویی بر اساس علم غیب امامت (مثلاً پیشگویی نبرد صفین و ماجرای قرآن به نیزه کردن - نامه ۱۰ نهج البلاغه) همه از صداقت امام علیه السلام در تعامل با معاویه به عنوان جبهه مخالف حکایت دارد. صراحت امام علیه السلام نیز در تک تک جملات ایشان قابل مشاهده است. آنجا که در بیان حق و پایبندی بر اصول و ضوابط، نهایت اصرار را داشته و با صراحت، معاویه را از دخالت در اموری که به وی مربوط نیست،

مانند خون‌خواهی عثمان، پیشامدهای میان امام علیه السلام و خلفا و دیگر موارد، نهی می‌کند. به عنوان نمونه، امام علیه السلام در پاسخ به گزاره‌گویی‌های معاویه مبنی بر برتری خلفای پیشین، با صراحت او را متوجه شایسته نبودن وی برای این رتبه‌بندی کرده و می‌فرماید: «وَزَعَمْتُ... تو گمان کردی که برترین اشخاص در اسلام، فلان و فلانند! مطلبی را یادآور شدی که اگر راست باشد به تو مربوط نیست و اگر دروغ باشد زیانی به تو نمی‌رساند، اساساً تو را با برتر و غیربرتر و رئیس و زیردست چه کار؟» (نهج البلاغه: نامه ۲۸).

همچنین، پاسخگویی مداوم امام علیه السلام به نامه‌های معاویه، نصیحت و خیرخواهی برای وی و اهتمام برای تبیین منطقی مسائل، توجیهی جز رعایت اصل احترام ندارد. ایشان تا آنجا پاسخگویی معاویه بودند که در فرازی چنین بیان می‌کنند: «من در اینکه مکرر به پاسخ نامه‌های تو پرداخته و گوش به آن فراداده‌ام خود را سرزنش می‌کنم و هوشیاری خود را تخطئه می‌نمایم (چرا که سخنانم همچون میخ آهنینی است که در سنگ فرو نمی‌رود) (نهج البلاغه: نامه ۷۳). همچنین، امام علیه السلام در مقابل نامه‌ها و عبارت‌های توهین‌آمیز معاویه، نهایت خیرخواهی را داشته و در این باره چنین فرمودند: «گاه شخص ناصح و خیرخواه از بس اصرار در نصیحت می‌کند متهم می‌شود» (نهج البلاغه: نامه ۲۸).

معاویه در مقابل نامه‌های امام علیه السلام، کاملاً مختار و دارای حق انتخاب بوده است. امام علیه السلام در پیامی به نماینده خود، درباره معاویه چنین فرمود: «اگر جنگ را اختیار کرد به او اعلان جنگ کن و اگر راه صلح و سلامت را پیش گرفت از او بیعت بگیر» (نهج البلاغه: نامه ۸). بنابراین، ژرف‌کاوی در مکاتبات حضرت با معاویه از به کارگیری کامل الگوی ارتباطی قاطعیت حکایت دارد. به این منظور، طی فرایند تحقیق، هر گزاره‌ای که به نوعی دارای ویژگی‌های الگوی قاطعیت بود، استخراج شد و جدول (۳) فراوانی آن آمده است:

جدول ۳. فراوانی الگوی قاطعیت

نام	فراوانی	نمونه موضوع اصلی / فرعی	نام	فراوانی	نمونه موضوع اصلی / فرعی
۶	۲	دعوت به ولایت پذیری مطلق	۳۷	۲	سوء نیت معاویه در خون‌خواهی عثمان
۷	۷	لزوم وفای به عهد	۴۸	۶	بیگانگی معاویه با قرآن
۹	۱۱	رد درخواست معاویه	۴۹	۲	توصیه به عبرت‌گیری
۱۰	۲۳	پاسخ به تهدید نظامی	۵۵	۸	انذار به جنگ
۱۷	۱۴	تساوی نداشتن امام <small>علیه السلام</small> و معاویه در هدف	۶۴	۸	اهتمام به انجام امور از مبادی قانونی
۲۸	۲۴	ناتوانی معاویه در امر حکومت	۶۵	۱۰	نفوذ ناپذیری در اجرای حکم الهی
۳۰	۳	لزوم مراقبه نفس	۷۳	۵	بیان تعصب معاویه
۳۲	۴	افشای سیاست استعماری معاویه	۷۵	۱	فرمان اطاعت به معاویه

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۶-۲. پاسخگویی

تقریباً همه نامه‌های امام علیه السلام، در پاسخ به مکاتبات معاویه ایراد شده است. نامه‌های ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۷، ۶۴، ۶۵، ۷۳ به طور صریح و نامه‌های ۶، ۴۸، ۴۹، ۵۵ به صورت ضمنی به این مطلب دلالت دارند. از این میان، فقط نامه ۷۵ در ابتدای خلافت و با هدف دعوت معاویه به بیعت نگاشته شده است. این موضوع، از اهمیت اصل پاسخگویی در حکومت علوی که اغلب با روشنگری و تبیین سیاست‌ها از سوی امام علیه السلام انجام می‌شده است حکایت دارد. در مواضع گوناگون نامه‌ها دیده شده است که امام علیه السلام حتی در مقابل سخیف‌ترین ادعاها و نقدهای معاویه خود را پاسخگو دانسته و به روشنگری همه جانبه می‌پردازد. سوابق و وضع کنونی را بیان کرده در نهایت، آینده‌نگری می‌کند. در جایی نیز از حکومت، شخصیت و جایگاه خویش به عنوان حاکم، ابهام‌زدایی می‌کند. نامه ۱۷ نهج

البلاغه را می‌توان نمونه کامل این فرآیند دانست که امام علیه السلام با ترجیع‌بند «و اما قولک ...» به تک تک مدعیات معاویه، به صورت منطقی و مستدل پاسخ می‌دهد. این پاسخگویی که از اصول مدیریتی امام علیه السلام است، در مقابل شخصی چون معاویه تا جایی ادامه دارد که حتی خود امام علیه السلام نیز به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: «من در اینکه مکرر به پاسخ نامه‌های تو پرداخته و گوش به آن فراداده‌ام خود را سرزنش می‌کنم» (نهج البلاغه: نامه ۷۳).

اهتمام امام علیه السلام به پاسخگویی تا آنجاست که حتی در مواردی به صورت خاص بیان می‌کند که اکنون به کدام یک از نامه‌های معاویه پاسخ می‌گوید. «فَقَدْ أَتَانِي كِتَابُكَ...» نامه‌ات رسید که در آن نوشتی، خداوند محمد صلی الله علیه و آله را برای دینش برگزید، و با یارانش او را تأیید کرد...» (نهج البلاغه: نامه ۲۸). در این عبارت دو نکته جای تأمل دارد. اول اینکه از اعلام وصول نامه‌ها توسط امام علیه السلام، چنین برداشت می‌شود که برخی نامه‌ها به ایشان نمی‌رسیده است. دوم آنکه حجم مکاتبات میان امام علیه السلام و معاویه به قدری بوده که امام علیه السلام نیاز دیده‌اند با توصیف و بیان پاره‌ای از محتوای نامه معاویه، به صورت دقیق مشخص کنند که کدام نامه او مد نظر است. موارد جزئی این راهبرد در بخش بعدی تحقیق یعنی «کاربست اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت» با بیشترین فراوانی ذکر شده است.

۳-۶. رویکرد منطقی و حل مسئله

امام علیه السلام در پاسخ به هتاک و تهمت‌های معاویه نه تنها مقابله به مثل نکرده است، بلکه همواره سعی می‌کند واقع‌نگر عمل کند. به همین منظور، گاه یک مشکل را ریشه‌یابی می‌کند، گاهی راه برون‌رفت از آن را بیان کرده و گاهی نیز توصیه‌هایی جهت پیشگیری از وقوع مشکلات بیان می‌دارد. این رویکرد، همه هشدارها و نصایح امام علیه السلام را شامل می‌شود، اما مهم‌ترین رویکردی که امام علیه السلام در این زمینه اتخاذ کرده‌اند، بیان رفتارها و ویژگی‌های ضد اخلاقی در حکومت‌داری است که بیشترین آمار را از میان رویکردهای پاسخگویی امام علیه السلام به معاویه، به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، امام علیه السلام، ویژگی‌های شخصیتی معاویه را عوامل انحراف و موانع صلاحیت وی برای تصدی حکومت دانسته و برای اصلاح آنها چاره‌جویی می‌کند. به عنوان نمونه، ایشان دلیل اصلی اتهام‌های مکرر معاویه به امام علیه السلام مبنی بر قتل

عثمان را ناشی از هوای نفس وی دانسته و پیروی از عقل را تنها راه برون‌رفت از خطا و دستیابی به حقیقت می‌داند. «وَلَعَمْرِي... ای معاویه! به جانم سوگند اگر با نگاه عقل‌بنگری نه با چشم هوا و هوس، مرا از همه مبرّاتر از خون عثمان می‌یابی...» (نهج البلاغه: نامه ۶). در نامه ۱۰ نهج البلاغه نیز امام علیه السلام، برای پیشگیری از سوء عاقبت، چهار توصیه اساسی به معاویه بیان می‌کند: «فَأَقْعَسْ... حال که چنین است از این امر (حکومت) کناره‌گیر و آماده حساب الهی شو و دامن را در برابر حوادثی که بر تو نازل می‌شود در هم پیچ و به حاشیه نشینان فرومایه گوش نده» (نهج البلاغه: نامه ۱۰).

۶-۴. مذاکره و پایبندی بر اصول، ضوابط و خط قرمزها

نتیجه ژرف‌کاوی در نامه‌های امام علیه السلام، پایداری ایشان در حفظ ضوابط است. امام در این نامه‌ها به دفعات، درخواست معاویه را مبنی بر اخذ حکومت شام رد کرده و با نامه‌نگاری‌های مکرر و تهدیدهای معاویه تغییری در رأی ایشان پدید نیامد. در مواضعی نیز معاویه را به حل و فصل دعاوی از مبادی قانونی توصیه می‌کند. به عنوان مثال، به معاویه فرمودند اگر واقعاً خواهان قصاص قاتلان عثمان هستی اول با من به عنوان حاکم بیعت کرده سپس در دادگاه حکومت اقامه دعوی کن. «وَقَدْ أَكْثَرْتُ... تو درباره قاتلان عثمان زیاد سخن گفتی بیا نخست همچون سایر مردم با من بیعت کن، سپس درباره آنها (قاتلان عثمان) نزد من طرح شکایت نما تا من بر طبق کتاب الله میان تو و آنها داوری کنم» (نهج البلاغه: نامه ۶۴).

در مورد دیگری درخواست معاویه را مبنی بر معرفی و تحویل قاتلان عثمان رد کرده و فرمودند که تو ولی دم عثمان نیستی و درخواست قصاص فقط به عهده ولی دم است (نهج البلاغه: نامه ۹). جدول (۴) عامل «ضابطه‌مندی» را تحلیل و به صورت خاص، این راهبرد را تبیین می‌کند:

جدول ۴. ضابطه‌مندی

نمونه موضوع اصلی/ فرعی	فراوانی	نامه
عدم امکان تحویل قاتلان عثمان	۱	۹
امتناع امام <small>علیه السلام</small> از واگذاری حکومت شام به معاویه	۱	۱۷
بیان تذکرات امام <small>علیه السلام</small> به عثمان به دلیل بدعت‌گذاری	۱	۲۸
سرسپاری به حکم قرآن	۱	۴۸
دعوت به انجام امور از مبادی قانونی	۱	۶۴
امضا نکردن حکومت برای نااهلی چون معاویه	۱	۶۵

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۵-۶. دفاع در برابر اتهامات و مدیریت جنگ روانی

با توجه به اینکه امام علیه السلام، در معرض آماج اتهامات از جانب معاویه قرار داشت و مکاتبات معاویه به ایشان، سراسر اتهام به قتل عثمان، طلحه، زبیر... و در پرتوی آن، شبهه وارد کردن به اصل نظام بود، ایشان همواره درصدد دفاع از مشروعیت و تمامیت ارضی حکومت اسلامی در برابر جبهه مخالف بودند. این اتهامات غالباً با هدف ایجاد جنگ روانی و هجمه تبلیغاتی علیه امام علیه السلام مطرح می‌شد، زیرا خود معاویه در باطن خویش به حقانیت امام علیه السلام معترف بود و این باور را در مواردی افشا کرده است (سراج، ۱۳۷۶: ۳۴۵). نوع واکنش امام علیه السلام به این‌گونه اتهامات، در جهت‌دهی افکار عمومی نقش پررنگی داشت، زیرا اگر امام علیه السلام در اثر همان جنگ روانی، کوچک‌ترین نقطه ضعفی بروز می‌داد چه بسا باعث حقیقت‌انگاری آن اتهامات می‌شد. به عنوان نمونه، معاویه امام را متهم به کم‌کاری در دفاع از عثمان کرده که به قتل او انجامید، اما امام علیه السلام در مقابل، چنین پاسخ می‌دهد: «فَلَيْكَ أَنْ تُجَابَ... حق تو است که با این گفتار (نادرست) از خویشاوندت دفاع کنی، ولی کدام یک از ما دشمنی‌اش نسبت به او بیشتر بود و راه را برای کشتن‌اش هموار ساخت؟ آیا کسی که آماده یاری او بود ولی (عثمان) از او خواست که بر جای خود بنشیند و دست از این کار بکشد یا کسی که (عثمان) از او یاری خواست و او تأخیر کرد و مرگ را به سوی او فرستاد تا زندگانی‌اش به سر آمد؟ هرگز چنین نیست که تو می‌گویی. به خدا سوگند «خداوند کسانی

که مردم را (از جنگ) باز می‌داشتند می‌شناسد...» (نهج البلاغه: نامه ۲۸). این ادعا، حیلتی بود از جانب معاویه برای برانگیختن توده‌های ناآگاه مردم علیه حاکمیت که امام علیه السلام، ضمن طرح پاسخ‌های متقن و مستدل، برای تنویر افکار عمومی، نقش خود را در دفاع از عثمان یادآور شده و معاویه را در قتل وی دخیل می‌داند. غرض ایشان از استناد به آیه شریفه، با توجه به سبب نزول آن، بیان این مهم است که حقیقت اهمال معاویه در ماجرای عثمان، نزد خداوند مخفی نیست هر چند او این حقیقت را نزد عوام، تحریف کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۴۲۷).

جدول ۵. راهبرد دفاع

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
تبرئه خویش از قتل عثمان	۱	۶
آگاهی از فقدان صداقت و حقیقت‌گرایی در مکاتبات معاویه	۱	۷
معرفی قاتلان حقیقی عثمان	۲	۱۰
عدم مساوات میان دو لشکر	۱۲	۱۷
اشراف بر حیل‌های معاویه	۳۱	۲۸
افشای ادعای دروغین معاویه در خون‌خواهی عثمان	۱	۳۷
تبرئه خویش از قتل عثمان	۱	۵۵
دفاع درباره قتل طلحه و زبیر و تبعید عایشه	۳	۶۴

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۶-۶. نقدپذیری

اینکه امام علیه السلام پیوسته با معاویه که نماد رسمی اپوزیسیون حکومت علوی بوده مکاتبه داشته است خود، بیانگر آن است که راه نقد و انتقاد حکومت به روی مخالفان باز بوده و امام علیه السلام هیچ‌گونه مخالفتی با این امر نداشته‌اند. مؤید این ادعا تأسیس خانه عدالت‌خواهی توسط ایشان در حکومت علوی است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۶۱). به عنوان نمونه، امام علیه السلام در پاسخ به ادعای معاویه مبنی بر کوتاهی امام علیه السلام در قتل عثمان، اصل نقد را پذیرا بوده و چنین فرمودند: «فَلْک...حق تو است که با این گفتار، از خویشاوندت دفاع کنی» (نهج البلاغه: نامه ۲۸). اما به لحاظ محتوا آن را مخدوش می‌داند، چراکه این نقد ناشی از نادیده انگاشتن

حقایق است. از آنجا که همه نقدهایی که معاویه به امام (ع) وارد می‌کند دروغ و مغرضانه است، همه آنها به عنوان تهمت و افترا محسوب می‌شود و امام (ع) در همه آن موارد، سعی در تبرئه خویش و ارائه پاسخ منطقی و مستدل داشته‌اند.

۶-۷. اخلاق محوری، مدارا و سعه صدر

مجموع راهبردهای پیشین، حکایت از ساختاری اخلاقی و هدفمند در نوع مواجهه امام (ع) با معاویه در این نامه‌ها دارد. ساختار اخلاقی که مشتمل بر پاسخگویی، دفاع، قاطعیت، حفظ ضوابط، نقدپذیری و مذاکره در عین صراحت و احترام بوده و با رویکردی منطقی و حل مسئله به کار گرفته شده است. حجم بسیاری از عبارات‌های نصیحت‌گونه و خیرخواهانه امام (ع) که بیانگر صلح و سلامت است به نوعی حاکی از اصل احترام در این نامه‌ها است. همچنین، راهبردهایی نظیر پاسخگویی مداوم و دفاع منطقی و مستدل در برابر اتهامات، به خوبی میزان بالای مدارا و سعه صدر امام (ع) را نشان می‌دهد. پیرو اتهام‌های مکرر معاویه به امام (ع) مبنی بر قتل عثمان، حسادت و ستم به خلفای پیشین، قتل ناروای طلحه و زبیر و... امام (ع) بیش از ده‌ها مرتبه با تبیینی منطقی و مستدل، در مقام رفع اتهام از خود برآمده است. لحن تند و هتاک‌های معاویه نسبت به امام (ع)، هرگز ایشان را مشوش نساخته و پایبندی کامل ایشان به اصول اخلاقی در قبال معاویه، مهمی است که از تحلیل نامه‌ها استنباط می‌شود.

۷. کاربست اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت

با در نظر گرفتن عبارت‌های امام (ع) و روح کلی حاکم بر آنها، اصولی استنباط می‌شود که امروزه با عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای و مدیریتی مورد بحث قرار می‌گیرد و شمار قابل توجهی از گزاره‌ها، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از به کارگیری این اصول توسط امام (ع) به عنوان مدیر جامعه اسلامی حکایت دارد. اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که اخیراً به دلیل جایگاه آن در افزایش بهره‌وری سازمان‌ها و مشاغل، مورد توجه قرار گرفته است. این انگاره که کاربست اصول اخلاقی در حرفه و سازمان، می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری و توفیقات حرفه‌ای شود، زیربنای تدوین منشورهای اخلاقی درون‌سازمانی قرار

گرفته است. رسالت بنیادین اخلاق حرفه‌ای، تبیین مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل، تحلیل مسائل اخلاقی و حل معضلات اخلاقی در کسب و کار است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۳۷). این جنبه از اخلاق با عنایت به ارتباط اخلاقی فرد با دیگران قابل تبیین است. در حقیقت، ملاک تعامل با دیگران، در این شاخه نیز مورد توجه است. اخلاق، رفتار ارتباطی پایدار مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۶۰). بنابراین اصول اخلاق حرفه‌ای آن اصولی است که رعایت آنها ضامن ایفای حقوق افراد باشد.

ساحت‌های مختلف زندگانی امام علی علیه السلام قبل از حکومت، در حکومت، در عرصه سیاست‌گذاری، اجرا، مکاتبات، تعاملات و... همه گویای اهتمام ایشان به حقوق عامه بوده و روح کلی حاکم بر حکومت ایشان، احقاق حقوق افراد است. معرفی وظایف حکومت در قالب نامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی ایشان به کارگزاران، به خوبی گویای این ادعا است (نهیج البلاغه: نامه ۵۳).

همچنین از بررسی فضای کلی حاکم بر نامه‌های امام علیه السلام و مطالعه موردی گزاره‌های مورد بررسی، چنین استنتاج می‌شود که در مواجهه اخلاقی امام علیه السلام با معاویه، همه اوامر و نواهی اخلاقی ایشان، متأثر از قواعد و اصول عامی است که می‌تواند منشأ استنباط اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت ایشان باشد.

در حقیقت دو عنصر بسیار مهم، زیربنای همه تعاملات اخلاقی امام علیه السلام با دیگران است:

۱. اصالت اخلاق: به این معنا که امام علیه السلام، نگاه ابزاری به اخلاق نداشته و اخلاق را فی‌نفسه لازم می‌داند. به این ترتیب باید با دشمن، اخلاقی رفتار کرد نه به این دلیل که محبت او جلب شود، بلکه به این جهت که اخلاق خوب است. این جنبه ناظر به حسن فعلی اخلاق است.

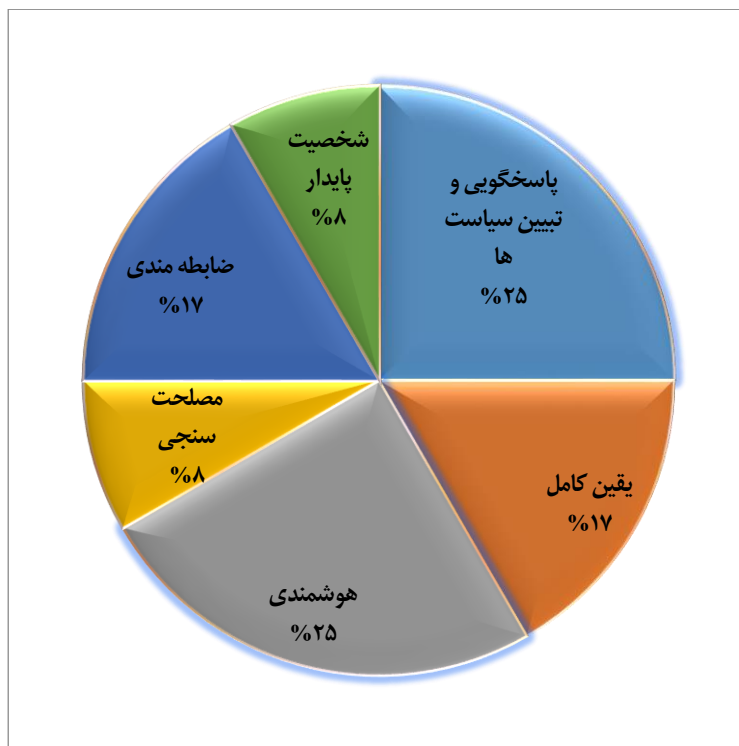
۲. توجه به ملاک نهایی اخلاق: این عنصر در علم اخلاق، مبنای توجیه توصیه‌های اخلاقی است. اینکه ملاک نهایی اخلاق چیست آوردگاه تضارب آرا است، اما امام علیه السلام، غایت اخلاق را خدا می‌داند. به این ترتیب، غایت تحلّق، تقرّب است. این جنبه ناظر به حسن فاعلی اخلاق است.

این دو نکته با در نظر گرفتن سیره عملی آن بزرگوار (مانند واقعه کظم غیظ ایشان در قتل عمرو بن عبدود در جنگ احزاب)، به وضوح قابل برداشت است. همچنین، تعامل اخلاق‌محور ایشان با معاویه که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است نیز مؤید این مدعا است. بنابراین احقاق حق یا عدالت که یک مفهوم اخلاقی است، هم فی‌نفسه خوب و اصیل است و هم غایتش تقرب به پروردگار است. امام علیه السلام مبنای ارتباط اخلاقی را رعایت حقوق مردم دانسته و پیوسته بر این مهم تأکید کرده‌اند. یکی از این مواضع، عهدنامه مالک اشتر است که امام علیه السلام در آن، حقوق مردم را حقوق خداوند دانسته که تضييع آنها در حقیقت، تضييع حقوق پروردگار است و حتی قصاص تضييع حقوق مردم را سخت‌تر توصیف می‌کند (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

از میان دیدگاه‌های اخلاقی مختلف، دیدگاه «تعهد اخلاقی نسبت به رعایت حقوق افراد» نیز بر این مهم تأکید داشته و بیان می‌کند که بر همه افراد انسانی باید حرمت و ارزش قائل بود و تحت هیچ شرایطی نباید حقوق افراد ضایع شود. در این دیدگاه نیت انسان‌ها نقش محوری دارد، به گونه‌ای که باید نیت خیرخواهانه و عدم تضييع حقوق دیگران، مبنای هرگونه تعامل و رفتار باشد (الوانی، ۱۳۸۳: ۲). بنابراین طبق این دیدگاه، سازمانی اخلاقی است که همه سیاست‌گذاری‌ها و دستورالعمل‌هایش مبتنی بر ایفای حقوق افراد بوده و التزام عملی به آنها را در دستور کار قرار دهد.

از آنجا که هر سازمانی ناگزیر از یک سلسله اصول اخلاقی در تعامل با دیگران بهره می‌برد، حکومت علوی نیز که تشکیلات و سازمان است از این امر مستثنی نیست. آنچه از تحلیل محتوای مکاتبات امام علیه السلام با معاویه به دست می‌آید، از کاربست اصول اخلاق حرفه‌ای در حکومت علوی خبر می‌دهد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰: ۷۶).

از مجموع ۵۷ گزاره ناظر به امام علیه السلام، ۳۶ مورد ناظر به اصول اخلاق حرفه‌ای است که در مکاتبات ایشان با معاویه به کار رفته است. از آنجا که اخلاق مدیریت، عبارت است از ملکات نفسانی انسان، از آن جهت که اداره امور جمعی از انسان‌ها را برای نیل به هدف‌هایی معین، عهده‌دار است (خیاط مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲۹) و نیز با در نظر گرفتن امام علیه السلام به عنوان مدیر جامعه اسلامی، این اصول در بُعد مدیریتی اخلاق حرفه‌ای جای می‌گیرد.



نمودار ۴. فراوانی اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت

(منبع: یافته‌های پژوهش)

طبق تحلیل، بیشترین آمار، مربوط به مؤلفه پاسخگویی و هوشمندی است. با اینکه پاسخگویی از جمله راهبردهای کلی امام علیه السلام بود، اما مراد از آن در اینجا، پاسخگویی به موارد خاصی است که از جانب معاویه مطرح شده یا اینکه امام علیه السلام صلاح دیده‌اند آن مورد را به صورت خاص، تشریح و تبیین کنند.

جدول ۶. اصل پاسخگویی

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
تبیین سازوکار نصب امام <small>علیه السلام</small> (پاسخ با مسلمات خصم)	۱	۶
مقاومت تمام‌عیار حکومت در برابر خواسته‌های معاویه	۱	۹
تبیین ایمان کامل امام <small>علیه السلام</small> به راه و هدف	۳	۱۷
اعلام وصول نامه معاویه و پاسخ به آن	۲	۲۸
ناکامی معاویه در رسیدن به دنیای مطلوبش همچون اصحاب جمل	۱	۴۸
بیان پاسخگویی مداوم توسط امام <small>علیه السلام</small>	۱	۷۳

(منبع: یافته‌های پژوهش)

هوشمندی مؤلفه دیگری است که به بُعد اشراف اطلاعاتی امام علیه السلام به تحرکات و سیاست‌های معاویه و همچنین، به تدبیر امام علیه السلام در ریشه‌یابی مسائل، اشاره دارد. این ویژگی در حقیقت، عامل مهمی برای اقتدار و قوت هر چه بیشتر یک حکومت است، چراکه به این واسطه، می‌توان ابعاد مختلف سیاست‌های خصمانه دشمن را بهتر ارزیابی کرد و بر اساس آن، تدابیر حفاظتی را به کار بست. هوشمندی امام علیه السلام، به عنوان یک حاکم، در برابر جنگ روانی که از جانب معاویه طراحی و عملیاتی می‌شد و تلاش برای خنثی‌سازی آن، از مکاتبات امام علیه السلام به وضوح قابل برداشت است. به عنوان نمونه، معاویه در مواضع مختلف سعی دارد تا با بیان فضایل خلفای پیشین، امام علیه السلام را تحریک کرده و وادار به بدگویی از آن‌ها کند. اما امام علیه السلام در پاسخ، معاویه را با عتاب و هشدار، از دخالت در این مسئله و اموری که به وی مربوط نیست منع می‌کند. ایشان در نامه ۲۸ چنین فرمودند: «وَرَعَمْتَ ... تو چنین پنداشتی که من نسبت به خلفای پیشین حسد ورزیدم و بر آنها ستم کردم اگر این‌گونه باشد جنایتی بر تو نرفته است که از تو عذرخواهی کنم...» (نهج البلاغه: نامه ۲۸). این عبارتها که در پاسخ به تهمت معاویه مبنی بر حسادت امام علیه السلام به خلفا ایراد شده است، به خوبی از توجه ایشان به خدعه معاویه حکایت دارد که این امکان را به امام می‌دهد تا با یک استدلال ضمنی ساده، بنیان ادعای معاویه را فرو ریزد. ایشان با عبارت «فَلَيْسَتْ الْجِنَايَةُ عَلَيْكَ...» راه را برای هرگونه بهره‌گیری معاویه از اختلافات میان امام و خلفا، می‌بندد (هاشمی خویی،

جدول ۷. اصل هوشمندی

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
تدبیر در امور حکومت و پاسخگویی بر اساس رأی کارشناسی	۱	۹
پیشگویی حيله عمر و عاص (قرآن به نيزه)	۲	۱۰
اشراف اطلاعاتی بر حيله‌های معاويه	۲	۲۸
اشراف اطلاعاتی بر تحرکات خصمانه معاويه	۱	۳۲
افشای ادعای دروغین معاويه در خون‌خواهی عثمان	۱	۳۷
اشراف اطلاعاتی بر یاریگری و تبلیغات خصمانه علیه حکومت	۱	۵۵
اشراف کامل بر ابعاد شخصیتی معاويه	۱	۶۴

(منبع: یافته‌های پژوهش)

از آنجا که کمیت و فراوانی‌ها در روش تحلیل محتوا معنادار هستند و حقایق را بیان می‌کنند، درصد بالای به کارگیری اصل پاسخگویی و هوشمندی در حکومت علوی، بیانگر این حقیقت است که امام علیه السلام پیوسته در آماج تهمت‌ها و فتنه انگیزی‌ها از جانب معاويه قرار داشته است که موجب می‌شده تا این دو اصل را بیش از سایر اصول به کار گیرند. این حقیقت، با توجه به فراوانی ویژگی ضلالت و نفاق معاويه که در این اثر، بیشترین بسامد را در میان ویژگی‌های ضد اخلاقی در حکمرانی به خود اختصاص داده‌اند، قابل تبیین است.

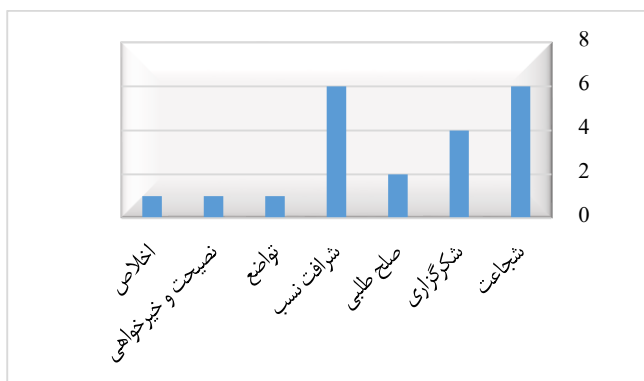
۸. صفات اخلاقی ایجابی دخیل در حکمرانی

ویژگی‌های اخلاقی حاکمان، معیار ارزش‌گذاری و وجه امتیاز آنان بر یکدیگر است. اساساً شایستگی یک رهبر بر مبنای ویژگی‌های خُلُقی وی قابل تبیین است و این مهم در فرمایش خود حضرت نیز مورد تأکید می‌باشد. ایشان به لزوم وجود حاکم تصریح کرده و بلافاصله بُعد اخلاقی او (و نه سایر ابعاد مانند قدرت، سیاست و ...) را مرکز توجه قرار می‌دهد: «و إنه لابد... مردم را امیر و فرمانروایی باید، خواه نیکوکار و خواه بدکار» (نهج البلاغه: خطبه ۴۰). نیکوکاری و طغیانگری دو رویکرد کلی اخلاقی است که ممکن است از جانب هر حاکمی به کار گرفته شود و حضرت با این تعبیر، به اهمیت بُعد اخلاقی حاکم اشاره

می‌کند. این اهمیت تا بدان جاست که ایشان در بیانی، حاکم جامعه و جهت‌گیری‌های اخلاقی وی را محور دگرگونی روزگار دانسته و با تعبیر: «إِذَا تَغَيَّرَتْ نِيَّةُ السُّلْطَانِ تَغْيِيرَ الزَّمَانِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۲) این مهم را متذکر شده‌اند. از نظر ایشان، به لحاظ تأثیر پذیری، ارتباط محکمی میان مردم و حاکم جامعه برقرار است تا آنجا که فرمودند: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۸). به همین دلیل، هرچه حاکم جامعه بهره بیشتری از اخلاقیات داشته باشد، نمود آن در شئون حکومتی که با مردم سروکار دارد پدیدار گشته و در نهایت به بهره اخلاقی آحاد جامعه می‌انجامد.

محور صفات اخلاقی ایجابی دخیل در حکمرانی، شخصیت خود امام است که یا به صورت مستقیم بیان شده، یا به واسطه کاربست یک گزاره توسط امام علیه السلام، آن ویژگی به مخاطب القا می‌شود یا اینکه از مدنظر قرار دادن محتوای کلی و جهت‌گیری نامه‌ای خاص، برداشت شده است. اغلب ویژگی‌هایی که در این نامه‌ها، مربوط به امام علیه السلام است، با توجه به ماهیت مکاتبات ایشان به عنوان حاکم و مدیر جامعه اسلامی، ناظر به اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت است که شرح آن گذشت. اما برآیند تحلیل محتوای نامه‌ها در این بخش، صفاتی است که بیشتر ناظر به اصل شخصیت حکمران است.

از مجموع ۱۷۸ گزاره اخلاقی تنها ۵۷ مورد ناظر به امام است که از این میان، ۲۱ مورد صفات شخصی امام را بیان می‌کند. این صفات با توجه به آنچه ذکر شد مبنی بر اهمیت بُعد اخلاقی حاکم جامعه، گویای جایگاه والای اخلاقی امام علی علیه السلام به عنوان حاکم جامعه اسلامی بوده و ویژگی‌های تراز حاکمیت را در سیره ایشان بیان می‌کند.



نمودار ۵. فراوانی صفات ایجابی دخیل در حکمرانی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

به دنبال بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر اخلاق محوری در حکومت علوی، با بررسی نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه، نتایج زیر به دست آمد:

۱. امام علیه السلام در این نامه‌ها ۸۶٪ از جمله‌هایی استفاده کرده‌اند که ماهیتی اخلاقی داشته و غایتی اخلاقی را دنبال می‌کند. این موضوع، حاکی از آن است که ایشان حتی در مواجهه با مخالفان و در رأس آنان معاویه، رویکردی اخلاقی اتخاذ نموده و از دریچه اخلاق مکاتبه می‌نمایند.

۲. از گزاره‌های مورد بررسی، ۶۸٪ ناظر به معاویه است که امام علیه السلام در قالب سه رویکرد کلی بیان صفات اخلاقی سلبی دخیل در حکمرانی، تذکر- هشدار و رویکرد ارشادی، به مکاتبه پرداخته است. از این میان، رویکرد بیان صفات اخلاقی سلبی دخیل در حکمرانی با ۷۲/۵٪ بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

۳. دورکن اساسی ضلالت با ۱۳/۷۹٪ و نفاق با ۱۱/۴۹٪، بیشترین بسامد وقوع را در میان این ویژگی‌ها دارند.

۴. راهبردهایی نظیر پاسخگویی، نقدپذیری، قاطعیت، سعه صدر، مذاکره، دفاع، رویکرد منطقی و حل مسئله از جمله راهبردهایی است که امام علیه السلام در مکاتبه با معاویه به کار بسته‌اند.

۵. واکاوی و تحلیل محتوای این نامه‌ها، بیانگر به کارگیری اصول اخلاق حرفه‌ای در

مدیریت، توسط امام علیه السلام است که از این میان، دو اصل پاسخگویی و هوشمندی، هرکدام با ۲۵٪ بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

۶. حجم بالای رویکرد «بیان صفات اخلاقی سلبی دخیل در حکمرانی» در میان این گزاره‌ها، بیانگر آن است که این ویژگی‌ها و به خصوص، گمراهی و نفاق، نقشی بنیادین در همه اعمال و رفتارهای متمرذانه معاویه دارند و از جانب امام علیه السلام، به عنوان موانع صلاحیت وی برای حکمرانی و به ویژه، حکومت شام، تلقی شده‌اند.

۷. میان فراوانی دو اصل پاسخگویی و هوشمندی (هر کدام ۲۵٪) و تأکید ویژه بر دو ویژگی ضلالت (۱۳/۷۹٪) و نفاق معاویه (۱۱/۴۹٪)، همبستگی مثبت وجود دارد. درصد بالای تأکید امام علیه السلام بر این دو ویژگی، بیانگر آن است که ایشان پیوسته در آماج تهمت‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها از جانب معاویه قرار داشته‌اند که این امر، موجب به کارگیری ممتاز دو اصل پاسخگویی و هوشمندی شده است.

۸. صفات اخلاقی سلبی که به منظور ریشه‌یابی انحرافات معاویه و به عنوان موانع صلاحیت وی برای حکمرانی، از جانب امام علیه السلام مطرح شده است در کنار صفات ایجابی دخیل در حکمرانی، ابعاد اخلاقی تراز حکومت اسلامی را بیان می‌دارد.

منابع

قرآن کریم.

ابوالحسن (سید رضی)، محمد بن حسین [بی‌تا]. نهج البلاغه، مترجم: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله [بی‌تا]. شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۷۹ق / ۱۳۳۸). شرح نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر کتاب.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، کیهان.

امیرپور و همکاران، حیدر (۱۳۹۵). «بررسی الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت»، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، شماره پنجم، ص ۱۶۹-۱۸۲.

باردن، لورنس (۱۳۷۵). تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

باقی نصرآبادی، علی (۱۳۹۳). «نقش اخلاق حرفه‌ای در موفقیت سازمان‌ها». پژوهش‌های

- فرهنگ و تربیت اسلامی، شماره اول، ص ۶۹-۸۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- خیاط مقدم و همکاران، سعید (۱۳۹۵). «مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در مدیریت»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال یازدهم، شماره ۱، ص ۱۲۷-۱۳۶.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۲). *رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر*، تهران، دریا.
- ذاکری، سید مصطفی (۱۳۹۴). *اخلاق مدیریت در نهج البلاغه*، [بی‌جا]، تحسین.
- سراج، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶). *امام علی علیه السلام خورشید بی غروب*، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی.
- شریفی نیا، محمدحسین (۱۳۸۰). «اصول سیاست علوی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۲۶، ص ۴-۱۲.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۰). «اخلاق حرفه‌ای در مدیریت علوی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۳۲ و ۳۳، ص ۶۳-۷۸.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳). *اخلاق حرفه‌ای*، قم، مجنون.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸). *اخلاق سازمانی*، تهران، سرآمد.
- فرمهبینی فراهانی، محسن و فاطمه اشرفی (۱۳۹۳). «اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه»، *پژوهش‌نامه علوی*، شماره ۹، ص ۶۷-۸۶.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۵). *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران، میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۵). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، میزان.
- قائدی و همکاران، محمدرضا (۱۳۹۵). «روش تحلیل محتوا از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، شماره ۲۳، ص ۵۷-۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کریندورف، کلوس (۱۳۷۸). *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، [بی‌جا]، روش.
- کیوی، ریمون. کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
- لولوئی و همکاران، کیوان (۱۳۹۲). «اخلاق علوی در پرتو الزامات روابط دیپلماتیک»، *تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات)*، شماره ۳۰، ص ۹۷-۱۱۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام امام امیرالمؤمنین*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤمنی راد و همکاران، اکبر (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و

تحلیل محتوای نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه با محور ... ۷۱

اعتبار»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۴۱، ص ۱۸۷-۲۲۲.
مطیع، مسعود (۱۳۹۴). «تبيين جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش
تحلیل محتوا»، مطالعات فهم حدیث، سال دوم، شماره اول، ص ۹۹-۱۳۱.
هاشمی خوبی، حبیب الله بن محمد (۱۴۰۰ق / ۱۳۵۹)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه،
تهران، مکتبه الاسلامیه.
یگانگی، سیدکامران و محسن بیگلی (۱۳۹۷). «مدل مفهومی حکمرانی خوب»، دومین
کنفرانس علمی پژوهشی دستاوردهای نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد
ایران، ص ۱-۷.

Berelson, B (1971). *Content Analysis in communication Research*. New York,
Hafner.